

جهاد و ترور در اسلام

دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل سنت

اشرف بروجردی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۵

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

جهاد و ترور در اسلام

دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل سنت

مؤلف: اشرف بروجردی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

ویراستار: علیرضا پلاسید

حروف چین و صفحه‌آرا: زینب جهانیان

مسئول فنی: عرفان بهار دوست

انجمن چاپ: مجید اسماعیلی زارع

چاپ اول: ۱۳۹۵

شماره گاه: ۱۰، نسخه

چاپ و صحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: بروجردی، اشرف، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: جهاد و ترور در اسلام: دیدگاه‌های علمای شیعه و اهل سنت/ اشرف بروجردی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ف. ۱۶۵، ص.

شابک: 978-964-426-895-3

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: جهاد

Jihad - موضوع

موضوع: جهاد - احادیث

Jihad -- Hadiths - موضوع

موضوع: جهاد - احادیث اهل سنت

(Jihad -- Hadiths) (Sunnite) - موضوع

موضوع: ترور - جنبه‌های مذهبی - اسلام

Islam -- Religious aspects -- Assassination - موضوع

موضوع: ترور - احادیث اهل سنت

Assassination -- (Hadiths) (Sunnite) - موضوع

موضوع: ترور - احادیث

Assassination -- Hadith - موضوع

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ ج ۴/ب/۱۹۶ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۳۹۱۰۷

فهرست مطالب

ط	مقدمه و بیان مسئله
۱	فصل اول: چارچوب نظری و تعاریف واژه‌ها
۷	ضرورت، اهداف و سبب‌ها مرتبط با موضوع جهاد و ترور در اسلام
۱۰	تعاریف واژه‌ها و بررسی نظریه‌ها مرتبط با جهاد و ترور در اسلام
۱۱	جهاد
۱۲	جهاد ابتدائی
۱۴	جهاد دفاعی
۱۵	محاربه
۱۵	غیله
۱۶	فتک
۱۷	ارهاب
۱۸	عملیات انتحاری
۱۹	عملیات استتهادی
۱۹	قاعده‌ی نفی سبیل
۲۰	ترور و تروریسم
۲۲	تروریسم از دیدگاه سازمان کنفرانس اسلامی
۲۳	جغرافیای سیاسی جهان اسلام
۲۴	جمع بندی
۲۷	فصل دوم: بررسی آیات و روایات مربوط به جهاد و ترور در اسلام
۳۱	بررسی آیات مربوط به جهاد
۳۹	جهاد یا قتال و جنگ با چه کسی
۴۴	بحث و بررسی پیرامون آیات قرآن در باره‌ی ترور

۴۶	روایات مربوط به جهاد و ترور
۴۹	اصول حاکم بر جنگ از دیدگاه اسلام
۵۲	مبانی اندیشه جهادی
۵۹	مبانی تفکر ترور
۶۴	جمع‌بندی
۶۷	فصل سوم: ترور و جهاد از دیدگاه علمای شیعه در دو قرن اخیر
۷۱	رویکرد به ترور از دیدگاه علمای شیعه
۷۲	تحریم غدر و عهدشکنی
۷۳	حکم دفاع استشهادی
۷۶	آرای فقه‌های مشهور شیعه در باره‌ی جهاد و ترور
۷۹	فتاوی‌های فقه‌های مشهور شیعه
۹۰	فتاوی‌های جهاد علمای کاظمین و سامرا
۹۰	فتاوی‌های جهاد مجتهدان شیعی بن‌یامین کاظمین
۹۲	فتاوی‌های جهاد آیت‌الله مکارم شیرازی
۹۲	فتاوی‌های جهاد علمای نجف اسرف
۹۴	فتاوی‌های جهاد آیت‌الله شیخ‌الشریعه استهبانی
۹۴	فتاوی‌های جهاد آیت‌الله سیدمصطفی کاشانی
۹۵	آیت‌الله سیدمحمدکاظم طباطبایی
۹۶	فتاوی‌های آیت‌الله یزدی طباطبایی به نمایندگی‌اش در کربلا
۱۰۲	استفتا درباره‌ی عملیات شهادت‌طلبانه از برخی علمای امام خمینی
۱۱۲	جمع‌بندی
۱۱۵	فصل چهارم: ترور و جهاد از دیدگاه علمای اهل سنت در دو قرن اخیر
۱۱۷	ترور و جهاد از دیدگاه علمای اهل سنت در دو قرن اخیر
۱۱۸	مبانی آرای فقه‌های اهل سنت درباره‌ی جهاد و ترور
۱۱۸	۱. جریان اعتدال‌گرایی
۱۱۹	۲. جریان فکری اخوانی
۱۲۲	۳. جریان سلفی - تکفیری
۱۲۵	آرای فقه‌های مشهور اهل سنت درباره‌ی عملیات استشهادی و انتحاری
۱۲۵	سلیمان بن فهد
۱۲۶	شیخ احمد کفتارو
۱۲۶	سید قطب

فهرست مطالب ز

۱۲۶	حسن البناء.....
۱۳۱	نظریه‌ی ایجاد ترس و وحشت در میان دشمنان.....
۱۳۱	روایت مربوط به حرمت ایجاد هراس.....
۱۳۴	اقوال علمای معاصر اهل سنت درباره‌ی عملیات استشهادی.....
۱۳۶	جمع‌بندی.....
۱۳۹	جمع‌بندی رویکردهای متفاوت درباره‌ی جهاد و ترور.....
۱۴۱	کلام آخر.....
۱۴۹	فهرست منابع.....
۱۴۹	الف) منابع فارسی.....
۱۵۴	ب) مقالات و مجلات فارسی.....
۱۵۳	ج) منابع عربی.....
۱۵۶	د) منابع اینترنتی.....
۱۵۹	ضمیمه.....

مقدمه و بیان مسئله

بهره‌مندی از راه‌اندیشه‌های علما در تعیین روش و راه زندگی مسلمانان پیشینه‌ای به درازنای تاریخ مسلمانی دارد، تا جایی که صدور فتوا به‌عنوان مجوز اقدام در هر امری نقشی راه‌جامعه تلقی می‌شود. در این زمینه، منتسبین به مکتب امام صادق (ع) (شیعه‌ی علوی) بیش از سایر فرق پای‌بند و ملتزم بوده‌اند. به‌رغم در امر جهاد که موضوع جان انسان و احتیاط در اقدام به صدمه زدن به انسان‌ها از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است. این امر موجب اختلاف رأی و نظر فقها و مراجع تقلید شیعه نیز شده است. به‌رود آمدن مکاتب مختلفی مانند اخباری‌گری و عقل‌گرایی در فهم نصوص دینی را از این دیدگاه می‌توان نگریست. «در آغاز تدوین فقه شیعی، عقل‌همواره یکی از منابع فقه‌شمرده می‌شد و هیچ‌گاه به‌طور کلی از نظر فقیهان حذف نشده، اما حق آن نیز به‌طور کامل استیفاء نگردیده، و پس از سده‌های کوتاهی اخباری‌گری بر حوزه‌های شیعی، که در عقل‌ستیزی محوریت داشت، بالاخره جریان اصلی عقل‌گرا پس از مدتی مجدداً در حوزه‌های علمی نفوذ کرد» (کدیور، ۱۳۷۸، ۹).

بنابراین، «عقل و تعقل و حرکت در جهت استفاده‌ی کامل از عقل، به‌ویژه در طلب معارف و تکمیل اصول اعتقادی و خودسازی انسانی، چیزی نیست که پیروان قرآن و اسلام بیست کم‌ترین کوتاهی درباره‌ی آن روا داشته باشند» (حکیمی، ۱۳۷۶، ۳۴۶).

بروز و ظهور عقلانیت در موضوعاتی چون «جهاد» نمود آشکارتری می‌یابد، چون موضوع جنگ و جهاد و به عبارتی جان انسان و اختیارات حاکم مطرح است. لذا تنها با حکم حاکم و فقیه جامع‌الشرایط است که این موضوع تحقق می‌یابد. از همین دیدگاه است که شیعه قائل به جانشینی امام تا زمان ظهور آن حضرت و در دوران غیبت است. جانشینی که ردای فقاقت به تن

دارد و امورات مسلمین را راهبری می‌کند، اگر چه خود حاکم نباشد، قدرت‌ش را از مقام و جایگاه دینی‌اش به دست می‌آورد و با همین عنوان حکم می‌راند و فتوی صادر می‌کند. چنین فتوایی را که موتور محرکه برای شرکت در جنگ و تقابل با دشمنان دین به حساب می‌آید، «جهاد» می‌نامند. این مسئله عمدتاً در سده‌ی اخیر و به عنوان حفظ سرزمین اسلامی مطرح شده است، اما ریشه در تاریخ اسلام دارد. موضوع جهاد در راه خدا در اصطلاح عام به معنای جنگ با دشمن در راه خدا تعبیر می‌شود. در قرآن، اما «جهاد» هم به معنای تلاش و کوشش به کار رفته، و هم به معنای مبارزه با دشمن آمده است. از همین دیدگاه، به آیات قرآنی، احادیث نبوی، سیره‌ی معصومان و همچنین آرای فقها و علمای دین در این مطالعه پرداخته خواهد شد. پیشینه‌ی این موضوع به زمان پیامبر و خلفا برمی‌گردد، و با رویدادهای مختلفی که در طی قرون و اعصار بروز و ظهور یافت. این بحث سرانجام به اقدامات انتحاری و ترور در دو سده‌ی اخیر انجامیده است؛ زیرا علمای دینی شیعه در این قرن اخیر در این وادی حضوری موثر داشته‌اند و نقش آفریده‌اند، تا جایی که شکل‌گیری ادبیات و بیانات مفاهیم رایج در دوران معاصر در ارتباط با جنگ و جهاد و قتال و حتی ترور را برآمده از فتاوی صادره تلقی می‌کنند.

ترور و کشتن افراد، چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، از اواخر سده‌ی نوزدهم و اوایل سده‌ی بیستم به ایران ورود پیدا کرده است. در جهاد اسلام، و به خصوص در ایران، مهم‌ترین و شاید اولین ترور به شیوه‌ی جدید ترور ناصرالدین شاه توسط میرزا رضای کرمانی شاگرد سیدجمال‌اسدآبادی بوده است. بعدها، با ورود اندیشه‌های حزب توده و حتی از مسیحیت و سوسیال دموکرات‌های قفقاز در قالب حزب عدالت و در نهضت مشروطیت با تأسیس کمیته مجازات، ترور تبدیل به یک مسئله‌ی جدی شد؛ اما متفکران و فقهای شیعه، چه در زمان مشروطه و چه بعد از آن، اصولاً ورودی به مباحث فقهی و دینی این امر نداشته‌اند و این روند تا زمان سقوط رضا شاه ادامه یافت.

بعد از سقوط رضا شاه و گشایش نسبی فضای سیاسی در ایران، مهم‌ترین گروهی که به اندیشه‌ی دینی به عنوان اساس اداره جامعه اعتقاد داشتند فداییان اسلام هستند. فداییان اسلام چهار نفر را در این زمان به روایت خودشان اعدام انقلابی کرده‌اند: سید احمد کسروی، نویسنده‌ی دگراندیش (۲۰ اسفند ۱۳۲۴)؛ حاجیعلی رزم آرا، نخست وزیر وقت (۱۶ اسفند ۱۳۲۹)؛ عبدالحسین

مقدمه و بیان مسئله

هژیر، نخست وزیر وقت (۱۳ آبان ۱۳۲۸)؛ حسنعلی منصور، نخست وزیر (۱ بهمن ۱۳۴۳). البته، ترورهای دیگری نیز به ایشان نسبت داده شده است.

تمامی فعالیت‌های فداییان اسلام، به باور خودشان، بر اساس روش دینی بوده است. اما، بسیار جای تعجب دارد که این فعالیت‌ها در زمان مرجعیت عامه‌ی آیت الله العظمی بروجردی بوده، و ایشان نفیاً و اثباتاً ورودی به بحث ترور از دیدگاه اسلام و حرمت و یا حلیت آن نداشته‌اند. این روند در ایران با اعدام سران فداییان اسلام متوقف شد، و با شکل‌گیری جریان‌ات مسلحانه در قالب سازمان‌های چریکی چپ مارکسیستی و مذهبی ادامه پیدا کرد.

هر چند که امام خمینی از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی با مبارزه مسلحانه مخالف بودند، بعضی از روحانیون بلندپایه با حمایت مادی و معنوی، و همچنین بعضی از روحانیون جوان نیز خود به عرصه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه پیوستند، که به ترورها و بمب‌گذاری‌های متعددی در اقصی نقاط کشور در زمان رژیم پهلوی انجامید. اتفاقاً، این فعالیت‌ها مورد تایید ضمنی همراه با سکوت بعضی از روحانیون بلند پایه اسلام نیز قرار گرفت.

تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی، عملیات انتحاری یا انتحاری از سوی انقلابیون شیعه در ایران و سایر ممالک اسلامی سراغ نداریم؛ اما از پیروزی انقلاب و درگیری‌های متعدد با گروهک‌ها، اولین جرقه‌های این نوع عملیات در ایران با ترورهای هدفمند و سازماندهی شده چه به صورت انتحاری و چه به صورت انفرادی را شاهد هستیم که مثلاً شهادت آیت الله اشرفی اصفهانی (۲۳ مهر ۱۳۶۱) توسط یکی از اعضای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به صورت انتحاری انجام پذیرفت.

این پدیده‌ی جدید در عرصه‌ی سیاسی ایران و دیگر کشورها محتاج به بررسی علل و عوامل متعدد است، و اگر از دلایل اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آن بگذریم، هیچ راجحه موثر دینی در له یا علیه اقدام انتحاری از دیدگاه اسلامی با روایت شیعی آن وجود ندارد، و این روند حتی تاکنون نیز ادامه یافته است. هر چند وقوع ترورها و انفجارهای انتحاری، که در دهه‌ی ۸۰ و در بلوچستان شروع شد، زنگ خطر را به صدا درآورده است، هیچ عکس‌العملی جدی در این زمینه از سوی متفکران و فقهای شیعه‌ی ایران مشاهده نمی‌شود، فقط یک مسئله‌ی مهم و جدی، آن هم در خارج از ایران، باعث شد که فقهای معاصر شیعه و سنی به بحث عملیات استشهادی ورود پیدا

کنند، و آن مسئله‌ی اشغال فلسطین و لبنان از سوی اسرائیل است. از میان فقهای شیعه، علامه محمد مهدی شمس‌الدین به صورت مبسوط به این مسئله وارد شده است، که طبعاً، این هم ناشی از شرایط خطیر لبنان و نقش شیعه در مسئله‌ی مبارزه با رژیم صهیونیستی بوده است. همین مسئله موجب بروز و ظهور اسلام سیاسی شده و اجتماعی شدن آن در دوران معاصر را رقم زده است. در پی آن، ضرورت خوانش جدید از فقه سیاسی به میان آمد؛ تا جایی که مراجع تقلید و فقها را بر آن داشت تا نظر و فتوی در حوزه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی بدهند؛ حتی برخی صاحب‌نظران را عقیده بر آن است که «عالم مسلمان باید دارای تقوای سیاسی باشد، یعنی باید هم سیاست بداند و فقه سیاسی داشته باشد» (حکیمی، ۱۳۵۶، ۱۰۸).

از جمله مسائلی که در دوران معاصر مورد توجه فقها قرار گرفته است، موضوع جنبش‌های سیاسی و رابطه‌ی دین و سیاست است. البته، اسلام همواره با سیاست رابطه‌ی تنگاتنگ داشته و بحث حاکمیت جامعه‌ی اسلامی بدین پیامبر از مسائلی بوده که موجب بروز و ظهور اختلافاتی در جامعه‌ی اسلامی گردیده تا جایی که امروزه، علیرغم شکل‌گیری حکومت‌های نوگرا و دموکراتیک، در میان جوامع اسلامی، اختلاف بر نوع حکومت در اندیشه‌ی شیعه و سنی را پدید آورده است.

از طرف دیگر، موج اسلام‌ستیزی در جهان به اندیشه‌ی ضرورت مقابله با اسلام‌ستیزان و عمل به جهاد را شکل داده، و موجب بروز و ظهور مکاتب مختلف، سیاسی نوع نگرش و برداشت از دین شده است. این نگرش به پیدایش سه جریان فکری بنیادگرا، سنی‌گرا و غرب‌گرا (تجددگرا) انجامیده است. همچنین، سبب شده اسلام و غرب در سه حوزه فقه و سیاست و مبارزه با یکدیگر باشند؛ در حوزه‌ی نظامی، که با آغاز جنگ‌های صلیبی به مدت یک قرن ادامه داشت و مسلمانان تحت ستم بودند، که دست آخر، با غلبه‌ی مسلمانان بر مسیحیان این منازعه خاتمه یافت، اما هرگز از حافظه‌ی تاریخی مسیحیان بیرون نرفت، در حالی که مسلمانان عوامل پیروزی خود را فراموش کردند؛ در حوزه‌ی سیاسی، که این تقابل با پایان دولت عثمانی به اتمام رسید، اما مسلمانان توانستند در قالب دولت‌های کوچک خود را بازسازی کنند و در جهان امروز پذیرفته شوند؛ در حوزه‌ی اقتصاد، که این مقابله و شیطره‌ی غیرمسلمانان بر مسلمانان همچنان ادامه دارد. البته در حوزه‌ی فرهنگ، غلبه از آن مسلمانان است، و هر روز نیز دامنه‌ی اسلام گسترش بیشتری

مقدمه و بیان مسئله م

می‌یابد (برداشت از رویکرد شمس‌الدین، ۲۰۰۸، ۱۲/۱۳). مسلمانان با از دست دادن موقعیت برتر نظامی، سیاسی و اقتصادی خود در برابر غرب مسیحی دچار خالشی‌های جدی شدند، که به نوعی بحران هویت در میان اندیشمندان و متفکران اسلامی انجامید. آن‌ها که گذشته‌ی پر شکوه خلافت اسلامی در دوران عباسی و دوران عثمانی را با مسلمانان عصر حاضر مقایسه می‌کردند، بر آن شدند تا در جهت چاره‌جویی برآیند. مسئله‌ی اصلی و سؤال عمده‌ی آنان این بود که علت پیشرفت‌های جوامع مسیحی و افول جوامع اسلامی چه بوده است؟ و چگونه می‌توان جهان اسلام را از این وضعیت رهایی بخشید؟ روشنفکرانی که در پی پاسخگویی به این سؤالات و چاره‌جویی برای عقب ماندگی جهان اسلام بودند، سه راه حل متفاوت مطرح کردند: گروهی از آن‌ها مدرنیسم و بهره‌مندی از تحولات جوامع غربی از سنت‌گرایی به تجدد را راه برون‌رفت از شرایط فعلی قلمداد کردند. گروهی دیگر مسلمانان را دچار نوعی انحطاط فکری دانسته‌اند، که از دید ایشان برای برون‌رفت از آن، باید به اصلاح فکر دینی و پالایش آن از خرافات و قشری‌گری روی آورد، و معتقدند که روح اسلام و جامعه‌ی آن اساساً با ایستایی و عدم‌پذیرش تحول سازگاری ندارد و شرایط جامعه اقتضا می‌کند که نیازهای امروز بشر را بر پایه‌ی دین و مبانی آن بنا نهند، یا به عبارت دیگر، نقش دین پیش از این، سد برای زندگی مدرن؛ و گروه سوم از اصلاح‌طلبان فکری و سیاسی راه برون‌رفت را در جنبش رنسان خواهی و ناسیونالیسم جستجو کرده و امت‌خواهی و طلب جهان اسلام به‌عنوان یک مجرای جدید برای برون‌رفت از مرز را مردود می‌دانند و فرهنگ ملی را مقدم بر رویکرد دینی می‌شناسند. «از میان این سه گرایش اصلی، یعنی نوگرایی تجددطلبانه، اندیشه‌ی اصلاح دینی، و جنبش ناسیونالیستی، گرایش دوم بیشترین تأثیر را در پیدایش اسلام سیاسی و جنبش‌های اسلامی داشته است» (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۱).

این جریانات فکری در میان مسلمانان بروز و ظهور یافت، و به تدریج، به جریانات اجتماعی پیوست، و در نهایت، به عملیاتی شدن آن‌ها انجامید. در این میان، شخصیت‌هایی که هر یک دیدگاه‌های یاد شده را نمایندگی می‌کردند نیز پای به عرصه گذاشتند؛ از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی، سید قطب، رشید رضا، حسن البنا، و در عصر کنونی، امام خمینی. به عنوان احیاگران دینی، ایشان نهضت‌هایی فراگیر را ایجاد کردند که به پیدایش جنبش‌های اسلامی انجامید. در طی مقابله با استعمار و حاکمیت زورمدارانه‌ی قدرت‌هایی که حیات، هستی و منافع خود را در

نابودی و نفی این جنبش‌ها می‌دانستند، این تقابل، خشونت‌ها و زایش گروه‌هایی را به بار آورد که اقدامات خود را ملهم از ایده‌های دینی و مبانی اعتقادی می‌دانستند، و خواستار برپایی حکومت‌هایی با رویکرد اسلامی و احیای شریعت محمدی شدند. اما، هیچ یک از این‌ها برداشت واحدی از مبانی دینی نداشتند، و در ماهیت متفاوت از یک‌دیگر بودند. همین سبب به وجود آمدن جنبش‌های مختلفی شد که شاید تقسیم‌بندی زیر بتواند چهره‌ی روشن‌تری از این جنبش‌ها را به دست دهد.

(۱) بخش از جنبش‌های اسلامی در زمره‌ی جنبش‌های دینی با اهداف، عملکرد و نقش‌های دینی، ر‌ پای‌بندی به مبانی دین قرار می‌گیرند؛ اما آثار سیاسی در جامعه داشتند (همچون جماعت اسلامی مصر که در دهه‌ی ۱۹۷۰ م تأسیس شد، در دهه‌ی ۱۹۸۰ دچار تحول شد).

(۲) برخی دیگر جنبش‌های ماهیاً سیاسی با اهداف، عملکرد و کارکرد اسلامی و صبغه‌ی دینی بودند (اخوان المسلمین) که ایستادگی دست‌یابی به اهداف و تحقق طرح‌هایشان به جهاد مسلحانه روی آوردند (گروه الجهاد مصر).

(۳) برخی دیگر برای دست‌یابی به اهدافی، مثلاً، از ابزارهای تبلیغی و مسالمت‌آمیز برای اهداف خود استفاده می‌کردند و آن را به کار می‌گرفتند (مثل حزب عدالت و توسعه‌ی مراکش و جماعت اسلامی پاکستان). از جهت رویکرد مسلحانه، این‌ها دست به اقدامات مسلحانه زدند. جهاد اسلامی، حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت اسلامی، جبهه‌ی آزادیبخش «مورو» در فیلیپین، که علیه آمریکا و اسرائیل در سراسر دنیا مبارزه می‌کنند، از این دسته هستند.

(۴) برخی نیز تنها به مبارزه‌ی سیاسی با هیأت حاکمه داخلی می‌پردازند. «جماعت اسلامی» در الجزایر، «جماعت المقاتله» در لیبی (برداشت از الشبوکی، عمر و ...، ترجمه‌ی شیروانی، ۱۳۸۷، ۲۱-۲۲).

بنابراین، با مفهومی پیچیده و متنوع از نظر ماهیت، نقش و رویکرد در این جنبش‌ها روبه‌رو هستیم که عمدتاً مبنای ایدئولوژیک دارند؛ در حالی که پدیده‌ی اسلام‌گرایی هم بعدی فرهنگی دارد که بیانگر نگرش حوزه‌ی فکری و سیاسی است، و هم بعدی اجتماعی - سیاسی، که علل

مقدمه و بیان مسئله

گسترش و یا عدم گسترش، یا در پیش گرفتن شیوه‌های دموکراتیک و یا خشونت بار را به وجود می‌آورد و ادبیات جنگ طلبانه را شکل می‌دهد. نتیجه‌ی این پذیرفته شدن جان انسان‌ها و نابودی آن‌ها است، موضوعی که دو طرف درگیری را به توجیه منطقی اقدام خود وامی‌دارد.

به کارگیری استراتژی «جنگ پیشگیرانه» یا «جنگ پیش‌دستانه» حاصل همین رویکرد است. در این استراتژی، «برخی از دولت‌ها و گروه‌ها به منظور تأمین امنیت و تثبیت پایگاه و جایگاه خود از آن بهره می‌برند. جنگ پیش‌دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب الوقوعی است که برخی دولت‌ها با اطمینان قطعی از این که به آن‌ها حمله نظامی خواهد شد در پی تدارک آن هستند» (اکنل، ترجمه سادات مدنی، ۱۳۸۲). در باره‌ی این نوع جنگ، که در ادبیات دینی با عنوان جنگ دفاعی از آن یاد می‌شود، علما و مجتهدین فتاوی مختلف دارند. «جنگ پیشگیرانه»، که برای جلوگیری از جنگ اسلحه‌ای در آن پیش‌دستی می‌کنند، حتی «در مواردی که هیچ دلیل و اعتقادی مبنی بر جنگ را در اسلحه‌ها از سوی طرف مقابل وجود ندارد، اقدام به حمله صورت می‌گیرد» (شریفی، ۲۰۰۳، ۶۷). در برخی منابع و ادبیات دینی، از این جنگ به «جنگ ابتدائی» یاد می‌شود. این مسئله همواره مورد مناقشه‌ی علمای دین و پیروان مذاهب مختلف اسلامی بوده است، تا جایی که برخی بر ضرورت جهاد، و برخی از نوع دفاعی و چه از نوع ابتدائی، پافشاری می‌کنند، و برخی تنها جهاد دفاعی را، آن هم در صورتی که جامعه‌ی اسلامی مورد تهاجم قرار گیرد، ضروری می‌دانند و جهاد ابتدائی را نوعی استنباط فقهی که با روح مفاهیم قرآنی و سیره پیامبر و امامان همخوانی ندارد می‌دانند. اما، از آن جایی که هراس از گسترش و توسعه‌ی دین اسلام و فراگیر شدن آن به عنوان یک اندیشه‌ی کارآمد در زندگی انسان‌ها به عنوان ایدئولوژی، که پیروان آن برای تحقق اهداف دینی خود جانفشانی می‌کنند به وجود آمده است، این امر موجب شده که سردمداران قدرت و ثروت در جهان امروز برای جلوگیری از آموزه‌های دینی اسلام به تقابل با آن بپردازند.

این همان مسئله‌ای است که به روبرو شدن جامعه‌ی اسلامی با جنگ‌های آشکار و پنهان از سوی قدرت‌های جهانی با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین ادوات جنگی و ابزارهای رسانه‌ای و تأمین منابع اقتصادی می‌انجامد. آن‌ها هستی و هویت خود را در نفی و نابودی همه‌ی کسانی می‌دانند که در مقابل آن‌ها تسلیم نباشند و حاکمیت مستقل آن‌ها را طلب می‌کنند.

از سوی دیگر، مسلمانان نیز اهداف سیاسی را در مناسبات خود به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار داده‌اند، و در این عرصه، بر حسب برداشت خود از مفاهیم دینی دست به اقدامات عملی زده‌اند. احتمالاً می‌توان اقدامات سید جمال‌الدین اسدآبادی را در این مقطع تاریخی آغازی بر شکل‌گیری تشکلهای جهادی دانست که از آن با عنوان پایداری در مقابل تهاجمات فرهنگ و تمدن غربی یاد می‌شود. اما، این که این دیدگاه می‌تواند به حفظ و اعتلای دین در جهان امروز و اشاعه و گسترش اقتدار جوامع دینی معنی ببخشد جای تأمل دارد؛ چرا که از آموزه‌های دینی تاریخ صدر اسلام و سیره‌ی پیامبر اسلام و امامان چنین بر می‌آید که اصل اول در اقتدار جامعه‌ی اسلامی، سوچل و توسعه‌ی دانش و اندیشه همراه با تعامل است. در این زمینه، قرآن می‌فرماید: «إِنِّي سِرَّكَ بِالنَّحِیْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلُهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ» (مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت بخوان و با بهترین شیوه با آنان مجادله کن. زیرا پروردگار تو به کسانی که از راه او منحرف شده‌اند آگاه‌تر است و ندانید با فغان را بهتر می‌شناسد) (نحل: ۱۲۵). همان‌گونه که اشاره شد، به علت این که رشد گروه‌های جهادی عمدتاً در سه دهه‌ی اخیر و بعد از جنگ‌های اشغال افغانستان بوده است، در عصر حاضر شاهدیم بسیاری از مباحث مطروحه در اشکال جدید در زمینه‌ی جهاد و ترور به رشته تحریر درآمده است که حاصل مطالعه‌ی مستمر و بحث‌های عمیق فقهی - تاریخی - کلامی نیست، و عمدتاً سران سازمان‌های جهادی، که بیشتر آن‌ها نیز فارغ‌التحصیلان علوم مهندسی و یا پزشکی هستند، به این مباحث ورود کرده‌اند. در حالی که مسئله‌ی جهاد و ترور یکی از ابواب فقهی مهم و تاثیرگذار در اسلام است و هست، و با ورود تکنولوژی‌های جدید، این مسئله پیچیده‌تر شده و نیازمند بررسی‌های فرائیدی است که متأسفانه به دلایل متعدد فقهای بزرگ اهل سنت و تشیع به این مسئله، به خصوص بعد از واقعه‌ی یازده سپتامبر ورود جدی نداشته‌اند.

به هرحال این مطالعه که در چهار فصل تدوین یافته می‌تواند آغاز پژوهشی از علل توسعه‌ی اقدامات تخریبی، انتحاری یا حتی جهادی باشد. شاید از معبر آن، بتوان به چاره‌اندیشی در جهت توقف و یا کم کردن عملیاتی از این دست باشیم. در فصل اول، چارچوب نظری و تعاریف واژه‌ها

مقدمه و بیان مسئله ف

مورد بحث قرار می‌گیرد؛ فصل دوم به بررسی آیات و روایات مربوط به جهاد و ترور در اسلام اختصاص دارد؛ در فصل سوم نیز؛ آرای علمای شیعه؛ و در فصل چهارم، اندیشه‌ی علمای اهل سنت را در زمینه‌ی جهاد و ترور مورد بررسی قرار می‌دهد؛ و در فصل پنجم، تحلیل رویکردها در باره‌ی جهاد و ترور از نگاه‌های متفاوت مورد بررسی قرار خواهد گرفت. مضافاً بر پنج فصل، ضمیمه‌ای با عنوان پیشینه‌ی تحقیق نیز افزوده شده است.

والسلام

اشرف پروجردی

www.ketab.ir